

در آمدی بر نظریات ترجمه و بازترجمه کتب آسمانی

بهمراه مقابله ترجمه و باز ترجمه هفت آیه نخست سوره مبارکه مائده

محمد زیار^۱

چکیده

افزون بر یکصد و هفتاد ترجمه از قرآن کریم به زبان فرانسه در دست است. این کتاب آسمانی را نخستین بار در نیمه نخست سده هفدهم آندره دوریه از متن عربی به فرانسوی ترجمه کرد. این متن چنان اعتباری داشت که قریب یک قرن هیچکس به فکر باز ترجمه آن نیفتاد. اما مترجمان بسیاری بویژه در قرن بیستم خود را در وادی ترجمه قرآن کریم آزمودند که پروفیسور محمد حمید الله زاده حیدرآباد هند یکی از آنان است. حمید الله علاوه بر ارائه ترجمه ای مستحکم افتخار دارد که نخستین مسلمانانی است که در زبان فرانسه دست به این کار خطیر زده است. در باب ترجمه و باز ترجمه امروزه نظریات گوناگونی ارائه شده که ما در حد بضاعت ناچیز خود کوشیده ایم به برخی از آنها اشاره و با مقابله آیاتی از سوره مبارکه مائده نشان دهیم که تا چه اندازه این نظریه ها در عمل درست و قابل اعتنا هستند.

کلید واژه ها: قرآن، ترجمه، بازترجمه، ترجمه فرانسوی قرآن، محمد حمید الله، آندره دوریه.

با موضوع ترجمه متون مقدس در ادیان ابراهیمی برخوردارهای یکسانی صورت نگرفته است.^۲ عالمان دین یهود در آغاز با ترجمه تورات مخالف بوده، آن را گونه ای کفر ورزی تلقی می کردند. دلیل این عالمان این بود که نباید کلام خدا را در قالب کلمات زمینی ریخت و قداست آن را خدشه دار کرد.

در کتابی با عنوان " کتاب روزه یا سیاهه جشن ها" که در سده های اول یا دوم میلادی به زبان عبری نگاشته شده، نقل شده است که در پی ترجمه تورات از عبری به یونانی، گیتی بمدت سه شبانه روز تیره و تار گردید. اشاره این کتاب به ترجمه موسوم به **La Septante** یا مصحف هفتاد از عهد عتیق است. این متن کهن ترین نسخه یونانی است که در سده سوم پیش از میلاد در زمان حکومت بطلمیوس دوم برای استفاده یهودیان مهاجر در اسکندریه ترجمه شد.

برای توجیه انجام این ترجمه و شکسته شدن حرمت کتاب مقدس به زعم گروهی، همچنین برای جلب اعتماد پیروان دین یهود و تشویق آنان به خواندن این متن، روایات افسانه گونه ای نیز ساخته شده است؛ مانند آنکه نقل شده هفتاد یا هفتاد و دو مترجم عالم جدا گانه و بی آنکه از کار یکدیگر خبر داشته باشند عهد عتیق را ترجمه کردند و هنگام مقابله متون با یکدیگر در کمال ناباوری دیدند که همه ترجمه ها یکسان اند. به این ترتیب وانمود شد که در کار ترجمه معجزه رخ داده و امداد و الهام الهی در کار بوده است.

^۲ در واقع می باید بین متون مقدس و متون دینی تمایز قائل شد: متن مقدس یا آسمانی پیام و کلامی است که از جانب خداوند به پیغمبر خود وحی و نازل شده است. متن دینی کلام و بیان سیره، روش و سرگذشت پیامبران، قدیسان و اولیای دین است. بنابراین بخش اعظم آنچه امروز عهد عتیق و عهد جدید خوانده می شود در حقیقت کتاب آسمانی یا مقدس نیست. ژان - رنه لادمیرال استاد و نظریه پرداز بزرگ ترجمه شناسی می گوید: عربی برای مسلمانان و کسانی که به اسلام دلبستگی دارند واقعا " زبان قرآن است. لویی ماسینیون می گفت: روز قیامت در باره ما به زبان عربی داوری خواهد شد. از دیگاه الهیات، قرآن از سوی خداوند و به عبارت دقیق تر بواسطه جبرئیل ملک دیکته شده است. قرآن حتی آفریده نشده به این معنا که جزء ذات خداوند است. (لادمیرال، ۱۳۱)

طبق این تعاریف نزد ما مسلمانان کتبی مانند نهج البلاغه و صحیفه سجاده متون دینی بوده و قرآن کریم کتاب آسمانی یا متن مقدس است.

ترجمه متون مقدس نزد مسیحیان ماجرای کاملاً متفاوت دارد: از آنجا که نزد مسیحیان هم عهد عتیق و هم عهد جدید مورد احترام و تقدیس هستند و اینکه کهن ترین متون عهد عتیق به زبان عبری باستان نگاشته شده، حال آنکه حضرت مسیح (ع) به زبان آرامی سخن می گفته و سخنان ایشان به همراه داستانها، سرگذشتها و سخنان حواریون و قدیسان در مجموعه ای به نام عهد جدید برای نخستین بار در قرن یکم به زبان یونانی کتابت شد و باز از آنجا که امپراتوری روم نیز بر بخش عمده ای از اروپا و آفریقا فرمانروایی داشت و مردمان آن نواحی به دین مسیح گرویده بودند و زبان یونانی نمی دانستند، خیلی زود لزوم ترجمه کتاب مقدس مرکب از عهد عتیق و عهد جدید به زبان لاتین یعنی زبان رسمی و مشترک امپراتوری روم احساس شد.

به همین سبب در قرن چهارم میلادی ژروم قدیس (Saint Jérôme) به این کار همت گماشت و قرن‌ها پس از او همین متن به زبانهای اروپایی جدید مانند آلمانی، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شد.

اما موضوع ترجمه قرآن نزد مسلمانان خود حدیثی دیگر است. نقل شده است که نخستین تلاش‌ها برای ترجمه قرآن کریم در زمان حیات پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) انجام پذیرفت و آن برگردان فارسی سوره الفاتحه با اذن پیامبر (ص) و به ابتکار سلمان فارسی بود.

همچنین گفته و نوشته شده که جعفر ابن ابی طالب فرستاده پیامبر به حبشه برای آشنایی پادشاه (نجاشی) آن دیار کل سوره مریم را به زبان حبشی کهن (گز) ترجمه و قرائت کرد.

واقعیت این است که در هیچ کدام از ادیان ابراهیمی صاحب کتاب، سند معتبری دال بر تحریم ترجمه متون مقدس به زبانهای دیگر در دست نیست. از ادیان یهودی و مسیحی که بگذریم، عده ای از صاحب نظران از جمله حمید گسوس استاد دانشگاه فاس در مراکش بر این باوراند که اگر عده ای برای ترجمه قرآن دلایلی کاملاً غیر دینی و بیشتر سیاسی و فرقه ای دارد.

این اندیشمند سال ۲۰۱۲ در حاشیه همایشی جهانی در مراکش با عنوان " ترجمه متون مقدس " در پاسخ به این فرض که چه پیش می آمد اگر قرآن به زبانهای دیگر ترجمه نمی شد می گوید: " در این صورت زبان عربی در برخی کشور های مسلمان (ایران، پاکستان، افغانستان، ترکیه) و سرزمین های غیر مسلمان (اروپا، آمریکا، آفریقا) بعلاوه کشورهای مسلمان عرب شده با نقش مایه نیرومند غیر عرب مانند کشور های شمال آفریقا مهجور می ماند".

امروزه افزون بر یکصد و هفتاد برگردان به زبان فرانسوی از قرآن کریم در دست است که برخی از معروف ترین آنها به قلم مترجمان زیر انجام پذیرفته و منتشر شده است:

André Du Ryer	آندره دوریه
Claude-Etienne Savary	کلود اتین ساواری
M. Kasimirski	کازیمیرسکی
Régis Blachère	رژی بلاشر
Mohammad Hamidullah	محمد حمید الله
Denise Masson	دنیز ماسون
André Chouraqui	آندره شوراکی
Jacques Berque	ژاک برک
Hamza Boubaqueur	حمزه بوبکر
Malik Chebel	مالک سبل
Abdallah Penot	عبدالله پنو
Jean Grojean	ژان گروژان
Sadok Mazigh	صادق مازیغ
René Khawan	رنه خوان

بحث و بررسی

علت وجود این همه ترجمه چیست؟ چرا بجای ترجمه های مکرر، اهل نظر به نقد و بررسی ترجمه های موجود نپرداخته اند؟

پیش از پرداختن به مقابله و بررسی ترجمه های دوریه و حمید الله، بهتر است با پاره ای از نظریات در باب ترجمه و باز ترجمه آشنا شویم.

به نظر الزبیتا اسکبیسکا استاد دانشگاه وروکلای لهستان: " باز ترجمه پدیده ای بسیار کهن است که دلایلی باعث آن می شود که لزوماً به ترجمه پیشین ارتباطی ندارند." به گفته وی دو عامل در بازترجمه نقش دارند:

عامل نخست را می توان "تاریخی" نامید وهدف آن به روز کردن متن ترجمه شده ای است که "کهنه" تلقی می شود و در نتیجه دیگر نمی تواند به نیازهای مخاطب زمان خود پاسخگو باشد.

عامل دوم را اسکبیسکا "عامل تجاری یا انتشاراتی" می داند. ژرژ گارنیه در کتابی با عنوان زبان شناسی و ترجمه (صفحه ۲۸) نوشته است که آثاری هست که هر بنگاه انتشاراتی مایل است در کارنامه خود نمونه ای از آنها داشته باشد.

شارل سورل متفکر و نویسنده سده هفدهم فرانسه در باره باز ترجمه می گوید: " امتیاز ترجمه در این است که می تواند در تمام قرون از نو انجام شود تا مطابق باب روز کتابها را باز سازی کند." (سورل، ۱۹۴)

ولتر فیلسوف و ادیب بزرگ عصر روشنگری نیز اعتقاد داشت که می بایست برای زمان خود نوشت نه اعصار گذشته.

جان مایکل کوهن مترجم نامی انگلیسی می گوید: " هر اثر بزرگی لازم است قرنی یکبار ترجمه شود تا با معیارها و سلايق نسل های جدید منطبق گردد."

پل بن سیمون استاد ترجمه شناسی دانشگاه سوربن (پاریس ۳) و پایه گذار مجله معروف (PALIMPSESTES) می گوید: " همه ترجمه ها تاریخی اند، تمام باز ترجمه ها نیز هم. هیچ کدام از این دو دسته از فرهنگ، ایدئولوژی و ادبیات یک جامعه در زمانی خاص از تاریخ جدا نیست" (بن سیمون، ۱۰).

پل ریکور به تاریخ ۲۴ ماه می ۲۰۰۴ در مقاله ای با عنوان " فرهنگها، از ماتم تا ترجمه " در روزنامه لوموند، باور به ترجمه کامل و نهایی را فاجعه میخواند که جا دارد بخاطر آن ماتم گرفت.

آنتوان برمن در کتاب آزمون بیگانه می نویسد: " هر ترجمه ای صرف نظر از اصول خود ناقص و دچار کاستی هایی است. یعنی اینکه هر ترجمه ای تحت تاثیر ترجمه نشده ها است و ترجمه های نخستین بیشتر از سایر ترجمه ها متأثر از ترجمه نشده ها هستند (...). باز ترجمه بیشتر برآمده از این نیاز است که کاستی ها کاهش یابند تا اینکه محذوفات بازیابی شوند. " (آنتوان برمن، ۵)

دانیکا سلسکویچ در مقاله خود با عنوان: " دو راهی واژگانی باز ترجمه " (در شماره ۱۷۵ مجله ترجمه ۱۹۹۸، صص ۲۷-۱۷) می نویسد: " مسائل بسیاری باید مورد توجه قرار گیرند تا ترجمه مجدد توجیه پذیر باشد. اما به عقیده من بهبود کیفیت یک ترجمه بی گمان یکی از مهمترین عوامل در احساس نیاز به باز ترجمه بشمار می رود. " (ص ۲۲)

پل بن سیمون با الهام از اندیشه های یوهان ولفگانگ گوته در دیوان شرقی-غربی وی می گوید: " میان ترجمه های اولیه که پیش درآمد محسوب می شوند و باز ترجمه ها تفاوتی بنیادی وجود دارد. ترجمه اول برای عادی سازی اثر بیگانه اقدام و تلاش می کند غیر خودی بودن آن اثر را کاهش دهد تا بهتر بتواند آن را در فرهنگی دیگر جا بیندازد؛ از اینرو بسیار به اقتباس شبیه است زیرا کمتر به ساخت های متن اصلی پایبند است. ترجمه اول با منطبق ساختن اثر بیگانه با باید ها و نباید هایی که مخاطب ترجمه اثر به آنها پایبندی دارد، بطور کلی در پی بومی سازی آن است (...). با توجه به اینکه ترجمه اول اثر بیگانه ای را وارد زبان مقصد می کند، مترجم بعدی دیگر در صدد کاهش فاصله میان فرهنگ ها بر نمی آید، او نه تنها گوشه چشمی به فرهنگ بیگانه دارد بلکه تلاش می کند تفاوت ها را باز نماید. پس از سپری شدن زمانی از انجام ترجمه اول، خواننده دیگر توانایی آن را دارد که اثر را با تمام بیگانگی و دور دستی اش دریافت و درک

نماید. باز ترجمه معمولاً" از ترجمه نخست یا ترجمه بومی شده به جزئیات متن مبدأ، برجستگی های زبانی، سبکی و ویژگی های آن بیشتر توجه دارد". (بن سیمون، ۹ و ۱۰)

رژی بلاشر که خود یکی از مترجمان بنام و صاحب سبک قرآن کریم به زبان فرانسه است می گوید: "علاقه و نیت مترجمان قرآن با توجه به خاستگاه، زبان، دوره و محیط اجتماعی- مذهبی آنان، از کشوری به کشور دیگر و از ناحیه ای به ناحیه دیگر متفاوت است (نک: بلاشر، ۱۹۹۱، ۲۶۴-۲۷۷).

در میان مللی که به ترجمه قرآن علاقه نشان داده اند فرانسویان جایگاه ممتازی دارند. یکی از دلایل این جایگاه ویژه شمار ترجمه های قرآن به این زبان است که از مرز ۱۷۰ مورد درمی گذرد. این ترجمه ها را نه تنها فرانسویان که غیر فرانسویان مسلمان یا غیر مسلمان، یکتاپرست یا غیر مومن انجام داده اند. بنابراین اهداف مترجمان متفاوت و گاه در تضاد با یکدیگر اند. برخی خواسته اند با این کار چهره اسلام را متفاوت نشان دهند. عده ای دیگر خواسته اند آن را ابزار تبلیغات خود قرار دهند و عده ای هم بالاخره خواسته اند به میراث جهانی خدمت کنند و هیچ گونه منفعت دینی یا قومی در آن جستجو نکرده اند.

روش کار مترجمان هم با یکدیگر تفاوت بسیار دارد: عده ای به ترجمه متن قرآن بسنده کرده، آن را بی هیچ توضیح و تفسیری منتشر کرده اند، عده ای دیگر نه تنها هر جا فرصت یافته اند از اعمال نظر خودداری نکرده، بلکه در مقدمه های بعضاً" مفصل به شرح زندگی حضرت رسول(ص) و مسلمانان پرداخته اند.

علاوه بر دغدغه های معنایی از دیگاه زبانی هم مترجمان روشهای متفاوتی در پیش گرفته اند. گروهی کوشیده اند از نظر ساختاری و زبانشناختی به زبان قرآن، یعنی زبان عربی پایبند بمانند و بعضاً" لازم دیده اند این موضوع را برای خوانندگان فرانسوی زبان خود شرح دهند. برخی دیگر مانند کازیمیرسکی غیر مسلمان و یا صادق ماذیق مسلمان جانب زبان مقصد را بیشتر از زبان مبدأ گرفته، تلاش کرده اند ترجمه هایشان به مذاق خواننده خوشتر آید، بدیهی است نتیجه کار این دو گروه یکسان نخواهد بود.

یک منتقد تونسوی به نام محمود شعبان به سال ۱۹۸۴ در کتابی که منتشر کرده به بررسی ترجمه های فرانسوی قرآن به قلم شش نفر از جمله حمیدالله، بلاشر، ماسون و کازیمیرسکی پرداخته، نتیجه گرفته است که هیچ کدام از این مترجمان نتوانسته است از عهده کار برآید؛ پس پیشنهاد می کند که بهتر است مترجمان یا تفسیرهای قرآن را ترجمه کنند، یا اینکه خود به زبان مورد نظر تفسیر بنویسند.

آندره دوریه و محمد حمید الله و کارهای آنان

آندره دوریه که سالیان دراز در شهر قاهره در کنار فعالیتهای کنسولی و بازرگانی به فراگیری زبانهای شرقی بویژه عربی و فارسی همت گماشته بود، در سال ۱۶۳۰ قاهره را به مقصد استانبول ترک کرد تا در آنجا به تکمیل دانسته های خود در باره زبانهای فارسی و ترکی پردازد. حاصل این سفر نگارش و گردآوری فرهنگ دو زبانه ترکی-لاتین و مهم تر و ماندگار تر از آن ترجمه گزیده ای از گلستان سعدی نخستین شاهکار ادب فارسی به سال ۱۶۳۴ به زبان فرانسوی و معرفی این گنجینه اخلاق و ادب به اروپائیان بود. دوریه نه تنها در معرفی ادب فارسی به اروپائیان افتخار تقدم دارد که این مقام را در ترجمه قرآن کریم به زبان فرانسوی نیز از آن خود نموده است.

ترجمه قرآن او برای نخستین بار در سال ۱۶۴۷ منتشر شد و آنچنان مورد اقبال اروپائیان قرار گرفت که در عرض یک سال پنج بار تجدید چاپ شد.

بدلیل تسلط کم نظیری که دوریه به زبان های عربی، فارسی و ترکی داشت ترجمه او بسیار معتبر شمرده شد بنحوی که دو سال پس از انتشار یعنی در سال ۱۶۴۹ ترجمه هایی بر پایه ی آن به انگلیسی و سپس آلمانی پرداخته و منتشر گردید. این ترجمه به مدت بیش از یک قرن معتبر ترین متن قرآن به زبان فرانسوی

تلقى می شد و بارها در کشورهای فرانسه، بلژیک، هلند، دانمارک و انگلستان به چاپ های پر شمارگان رسید.

در پیشگفتار کتاب مترجم به عنوان یک مسیحی متعصب سعی دارد به خوانندگان خود بگوید که ترجمه کتاب برای خدمت به دین اسلام نبوده است.^۳ استفاده از واژه هایی مانند: پیامبر دروغین و لفظ محمدیان بجای مسلمانان که میراث بر جای مانده از سنت و فرهنگ صلیبیون است این حفظ فاصله را پررنگ تر میکند.

مترجم در دیباچه ترجمه خود می نویسد: "عالمان دین محمد شرح داده اند که اصل قرآن بر لوحی نگاشته شده که در آسمان نگهداری می شود و جبرائیل ملک رونوشتی از آن برای محمد آورده است که نه خواندن می داند و نه نوشتن او را برای احترام پیغمبر یا حواری می خوانند."

در بخش بعدی مترجم زیر عنوان " خلاصه ای از دین ترک ها" به معرفی دین اسلام از دیدگاه خود پرداخته است. در ابتدا می نویسد: " ترکها به یک خدا و یک شخص اعتقاد دارند، آفریننده آسمان و زمین، پاداش دهنده نیکان و کیفر دهنده بدان، او که بهشت را برای باد افره صالحان و دوزخ را برای واپسین کیفر گناهکاران آفرید." (دوریه، ۴)

اما پروفیسور محمد حمید الله در ۱۹ فوریه سال ۱۹۰۸ در شهر حیدرآباد هند متولد شد. در دبیرستان دارالعلوم و جامعه نظامیه حیدرآباد دانش آموخت و از سال ۱۹۲۴ به بعد در دانشگاه عثمانیه به ادامه تحصیل پرداخت و مدرک لیسانس، فوق لیسانس و دکترای حقوق LLB در الهیات و حقوق بین الملل را از این دانشگاه دریافت کرد.

^۳ - به عقیده بلاشر ترجمه خاورشناسان خواه نا خواه ایدئولوژیک است.

حمیدالله به قصد تحقیق در کتابخانه ها و مراکز پژوهشی کشورهای اسلامی به خاورمیانه و شمال آفریقا سفرهای بسیاری کرد و بارها در این کشورها اقامت گزید. در سال ۱۹۳۵ رساله دکترای خود را در دانشگاه بُن تحت عنوان "بی طرفی در حقوق بین الملل اسلامی" به پایان رساند و پس از آن از دانشگاه سوربن پاریس دکترای ادبیات دریافت کرد.

حمیدالله به بیست و دو زبان تکلم و تتبع می کرد. مشهور است که وی زبان تایلندی را زمانی آموخت که ۸۵ سال از عمرش گذشته بود. بجز زبان مادری از جمله زبانهایی که وی به آنها تسلط داشت عبارت بودند از: عربی، فارسی، ترکی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی و غیره.

از وی بیش از ۲۵۰ کتاب، رساله و مقاله به زبانهای عربی، اردو، انگلیسی، فرانسه و آلمانی بجا مانده است. برخی از آثار وی عبارتند از: محمد رسول الله (حیدر آباد، ۱۹۷۴)، نخستین قانون اساسی مکتوب در جهان (لاهور، ۱۹۷۵)، زمامداری مسلمین (لاهور، ۱۹۷۷). صحیفه همام بن منبّه (حیدرآباد، ۱۹۷۹)، غزوات پیامبر (حیدر آباد، ۱۹۸۳).

مقابله ترجمه های قرآن دوریه و حمیدالله به این سبب انتخاب شده که این مترجمان هر دو در این زمینه افتخار تقدم دارند: دوریه نخستین مترجمی است که قرآن را مستقیماً از عربی به فرانسوی برگرداند و حمیدالله نخستین مترجم مسلمان این کتاب آسمانی به زبان فرانسوی است.

ترجمه نام قرآن

حمید الله نام قرآن را "L'Alcoran de Mahomet" ترجمه کرده به معنی *القرآن محمد*؛ همانطور که ملاحظه می شود در این برگردان دو لغزش روی داده است یکی افزودن نام محمد و دیگر آوردن پی در پی دو حرف تعریف عربی "ال" و فرانسوی "L". مترجمان بعد از دوریه از کلود اتین ساواری در سده

هفدهم گرفته تا صادق مازیغ در روزگار ما این دو خطا را تصحیح کرده اند. عنوان ترجمه حمید الله " Le Coran" است. در ترجمه دوریه هرچند که در ابتدای هر سوره به مکی و مدنی بودن و شمار آیات اشاره شده اما مترجم آیه ها را در متن شماره گذاری نکرده است.

حمید الله ترجمه قرآن خود را با مقدمه یا دیباچه آغاز نکرده، بلکه تنها به ذکر چند نکته بسنده کرده است مانند اینکه نام دیگر سوره الفاتحه، الحمد (L'Hymne) است یا اینکه سوره های قرآن به دو دسته مکی و مدنی تقسیم می شوند. در پانویس ترجمه سوره بقره هم اشاره می کند که در آغاز ۲۹ سوره از قرآن حروفی آمده که قابل ترجمه نیستند و اینکه قرآن از میان ۲۸ حرف الفبای عرب تنها از ۱۴ حرف برای این حروف رمز استفاده کرده است. حمیدالله همچنین به ارزش ادبی الفبای عرب اشاره و لیست حروف و اعداد مربوط را آورده است.

بی شک نقد و بررسی ترجمه کل قرآن در چهارچوب مقاله ای هرچند مبسوط میسر نیست؛ از اینرو تنها هفت آیه نخست سوره مبارکه مائده را برای این بررسی برگزیده ایم.

نام سوره را دوریه "La Table" یعنی میز (که روی آن طعام می خوردند) و حمیدالله " Le Plateau servi" یعنی خوانچه خوراک ترجمه کرده اند.

همچنان که ملاحظه می شود در گزینش این دو معادل فرهنگ و عصر مترجمان تأثیر داشته است. فرانسوی اوایل سده هفدهم با آگاهی ناچیزی که از فرهنگ مشرقی داشته بی شک نمی توانسته است معنای خوان و سفره را درک کند اما در باز ترجمه انجام شده در اواسط قرن بیستم این مشکل وجود نداشته معادل غیر معمول خوانچه خوراک بار معنایی قوی تری برای مخاطب دارد.

اولین اختلاف دو مترجم در حقیقت بر سر برگردان بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بروز می کند آنجا که دوریه رحمن و رحیم را به ترتیب "Clément & Miséricordieux" و حمیدالله " & Le Tout " Le Très Miséricordieux Miséricordieux ترجمه کرده اند. حمیدالله دلیل استفاده از یک واژه فرانسوی را برای رحمن و رحیم واحد بودن ریشه این دو صفت در زبان عربی دانسته رحمان را قویتر از رحیم می داند از اینرو دو قید تأکیدی بر سر آنها افزوده تا تفاوت آنها حفظ شود. اما دوریه دو صفت را که در زبان فرانسه تقریباً کاربرد عام ندارند و صرفاً در متون دینی و برای وصف صفات خداوند به کار می روند برابر های مناسبی برای این دو صفت صرف شده در صیغه مبالغه یافته است. لازم است اشاره کنیم که اختلافات اصلی این دو ترجمه و اصولاً همه ترجمه ها و باز ترجمه ها، بر اساس گفته الزبیتا اسکبیسکا مربوط به زمان این ترجمه ها، یعنی "تاریخی" است.

چگونگی برگردان آیات یک تا هفت سوره مبارکه مائده

آیه نخست

دوریه	حمید الله
O vous qui croyez en Dieu, satisfaites à ce que vous promettez, il vous est permis de manger des animaux qui sont mondes , excepté de ce qui vous sera déclaré ci-après. La chasse vous est défenduë pendant le tems que vous ferez le pèlerinage de la Meque , Dieu ordonne ce qu'il veut.	Ho, les croyants ! Remplissez les engagements. Vous est permise la bête du cheptel , sauf ce qui va être récéité. Ne vous permettez pourtant pas la chasse dans le temps que vous êtes sacralisés . Dieu, en vérité, ordonne ce qu'il veut.

اختلاف مترجمان در برگردان "بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ"، "أَنْتُمْ حُرْمٌ" باز دلیل تاریخی دارد: دوریه ناگزیر شده است در مورد اول بگوید "حیواناتی که پاک هستند" و در مورد دوم، "در زمانیکه زیارت مکه را بجا می آورید"، معنای محرم بودن را توضیح بدهد. مترجم دوم در این خصوص مشکل چندانی ندارد زیرا اروپائیان دیگر امروز می دانند که منظور مسلمانان از دام شامل حیوانات حرام گوشتی چون خوک نمی شود. بنابراین موارد فوق را "حیوان پرورشی یا دام" و "زمانی که مُحرم هستید" ترجمه کرده است.

آیه دوم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهُرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

دوریه	حمیدالله
<p>O vous qui croyez, ne dites pas qu'il est permis de faire ce que Dieu a prohibé, faites ce qui vous est ordonné pendant le mois du pelerinage, ne donnez point d'empêchement à ceux qui portent des presens à la Meque, ni à ceux qui prennent des coliers, & n'empêchez pas les pelerins d'y aller demander la grace de Dieu & sa miséricorde. Il vous est permis de chasser lors que vous aurez fini votre pelerinage, prenez garde que quelques personnes ne vous fassent pécher; & ne vous empêchent d'aller à la Meque pour vous obliger à les mal-traiter, & mettez votre apui en la justice & en la crainte de Dieu, & non pas au péché & en la haine de votre prochain, craignez Dieu il est grief en ses châtements.</p>	<p>Ho! les croyants ! Ne profanez ni les emblèmes de Dieu, ni le mois sacré, ni l'offrande d'animaux, ni les guirlandes, ni ceux qui se dirigent vers la Maison sacrée cherchant de leur Seigneur grâce et agrément.</p> <p>Revenus à la vie profane, alors vous êtes libres de chasser. Et que la haine d'un peuple qui vous a empêchés de la Mosquée sacrée ne vous incite pas à transgresser. Entraidez-vous dans la charité et la piété et ne vous entraidez pas dans le péché et la transgression. Et craignez Dieu. Dieu est dur en poursuite, vraiment!</p>

دوریه در ترجمه این آیه مشکلات بسیاری دارد؛ نخست آنکه چند کلمه را در ترجمه خود حذف کرده

مانند: ۱- شَعَائِرَ اللَّهِ ۲- الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۳- إِنَّ.

او همچنین برای " الشَّهْرَ الْحَرَامَ " ، " الْبَيْتَ الْحَرَامَ " و " الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ " معادل های نا رسایی برگزیده است. اولی را "ماه زیارت" و دومی و سومی را "مکه" یک بار با اسم و یک بار دیگر با ضمیر "y" نوشته است.

اما حمیدالله نه مرتکب حذف شده نه معنای کلمات را تغییر داده است. " les emblèmes de Dieu"

برای شَعَائِرَ اللَّهِ، " le mois sacré " برای الشَّهْرَ الْحَرَامِ، " la Maison sacrée " برای الْبَيْتَ الْحَرَامِ،

"la Mosquée sacrée" برای الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ و سر انجام " vraiment " برای إِنَّ.

اما نکته جالبی که در این آیه وجود دارد برابر واژه های داده شده برای " الْفَلَانِدَ " است: دوریه آن را

" des coliers " به معنی گردن آویزها ترجمه کرده و در پانویس از قول یکی از مفسران مسلمان به نام

جلال الدین می نویسد: "اعراب قدیم بخاطر ثواب، از شاخ و برگ درختان مانند گردنبند به خود می

بستند" و مثال می زند: " همچنانکه در بعضی مناطق فرانسه در موسم جشن حضرت یحیی روستائیان گیاه

به گردن خود می آویزند".

<p>حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالطَّيْحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى التُّصْبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَكْفُرُوا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ</p>	
<p>دوریه</p>	<p>حمیدالله</p>
<p>Il vous est défendu de manger de la charogne, du sang, de la chair de pourceau, & de tout ce qui n'est pas tué en proférant le nom de Dieu, il vous est défendu de manger les animaux étouffez, étranglez, assommez, précipitez, qui se font tuez heurtant l'un cotre l'autre & ceux que les animaux auront tuez, si vous ne les trouvez avoir encore vie pour les saigner en proférant le nom de Dieu. Vous ne mangerez pas des animaux sacrifiez aux Idoles. Ne consultez pas les Devins ni le sort: c'est un grand péché: le jour viendra que ceux qui ont abandonné votre Loi seront désespérés, n'ayez pas peur d'eux, & me craignez, le jour viendra que j'accomplirai votre Loi, & que ma grâce sera abondamment sur vous, la Loi de salut est la Loi que je vous veux donner. Si quelqu'un est en nécessité & mange de ce qui vous est défendu sans volonté de pécher, Dieu lui sera clément & miséricordieux</p>	<p>Vous sont interdits la bête morte et le sang et la chair de porc, ce sur quoi on a invoqué quoi que ce soit d'autre que Dieu, et la bête étouffée ou morte d'une chute ou morte d'un coup de corne, et celle qu'une bête féroce a dévorée - sauf celle que vous égorgez avant qu'elle soit morte -. Et celle qu'on a immolée sur les pierres dressées, ainsi que de tirer le partage au sort au moyen de flèches. Tout cela est perversité. Aujourd'hui, les mécréants désespèrent de votre religion : ne les craignez donc pas et craignez-Moi. Aujourd'hui, J'ai parachevé pour vous votre religion, et accompli sur vous Mon bienfait. Et il M'agrée que la Soumission soit votre religion. Si quelqu'un donc se trouve en détresse et qu'il ait faim, tout en se refusant à tomber dans le péché... et bien Dieu est pardonneur et miséricordieux.</p>

در ترجمه آیه سوم، دوریه سه بار مرتکب تکرار شده است. آیه شریفه با " **Il vous est défendu de manger** " (حرام شد بر شما خوردن) آغاز می شود اما مترجم دو بار این جمله را آورده است. تکرار دوم مربوط به جمله "با ذکر نام خدا" است (en proférant le nom de Dieu) که باید هنگام ذبح

حیوانات حلال گوشت بر زبان جاری شود. و تکرار سوم جمله " *Vous ne mangerez pas* " (نباید بخورید) که تغییر شکل یافته همان جمله آغازین " حرام شد بر شما خوردن " است.

در ترجمه این آیه همچنین یک جمله که در زبان مبدأ به زمان حال ساده بیان شده و یک بار هم بنوعی تکرار شده است به زمان آینده برگردانده شده است. ترجمه فارسی آن دو عبارت این است: " امروز کافران از بازگشت شما از دین خویش نومید شده‌اند. (...) امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم " اما برگردان فارسی ترجمه دوریه چنین است: " روزی خواهد رسید که کافران از بازگشت شما از دین خویش نومید خواهند شد. (...) روزی فرا خواهد رسید که دین شما را کامل و نعمت خود بر شما تمام خواهیم کرد " که کاملاً اشتباه و خلاف فرموده قرآن است. در ادامه عبارت حیواناتی که " سنگ زده باشند " حذف و در مقابل دو فعل (*étouffez, étranglez*) که هر دو معنای خفه شده هستند در کنار یکدیگر بکار رفته‌اند. عبارتی هم به متن ترجمه اضافه شده که هک زائد است و هم معنای متن را تغییر داده است. در حالی که معنای صحیح کلام قرآن به این قرار است: " پس هر که در گرسنگی بی‌چاره ماند بی آنکه قصد گناه داشته باشد، بداند که خدا آمرزنده و مهربان است " معنای ترجمه دوریه چنین است: اگر کسی نیازمند باشد و از آنچه حرام است بدون نیت گناه تناول کند خدا در حق وی بخشنده و مهربان خواهد بود. همانطور که پیداست در نص عربی به خوردن چیز حرام تصریح نشده است.

سرانجام اینکه در پایان آیه به نظر می‌رسد مراد از " *لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا* " (و اسلام را دین شما برگزیدم) دین اسلام باشد اما هم دوریه و هم حمیدالله آنرا ترجمه کرده‌اند.

در ترجمه حمیدالله هم چند نکته قابل انتقاد وجود دارد از جمله اینکه عبارت " به سنگ زده باشند " ترجمه نشده، بعنوان معادل فرانسوی " *أزلام* " از " *les pierres dressées* " استفاده شده که تحت اللفظی و به معنی سنگ‌های ایستاده است. در حالی که اکثر مترجمان آن را به معنی بت‌ها یا اصنام ترجمه کرده‌اند.

دوریه	حمیدالله
<p>Ils te demanderont ce qui leur est permis de manger, dis leur, il est permis de manger de toutes sortes d'animaux, qui ne sont pas immondes, & de tout ce qui vous a été enseigné de la part de Dieu touchant les animaux qui ont été blessez des lions & des chiens, mangez des animaux qu'ils vous auront pris, & vous souvenez de Dieu en les saignant, craignez Dieu , il est exact à faire compte.</p>	<p>Ils t'interrogent sur ce qui leur est permis. Dis : "Vous sont permises les choses excellentes, ainsi que ce que prennent les bêtes de chasse que vous avez dressées, en tant que vous les avez dressées pour la chasse: vous ne faites que leur apprendre ce que Dieu vous a appris. Mangez donc ce qu'elles capturent pour vous et prononcez dessus le nom de Dieu. Vraiment Dieu est prompt dans les comptes.</p>

عبارت " toutes sortes d'animaux " (همه گونه حیوان) اشتباه انتخاب شده است زیرا در متن اصلی سخن از طیبیات یعنی چیز های پاک است نه گوشت حیوانات. اگر ترجمه دوریه را از بخش دوم آیه با ترجمه مثلاً " استاد آیتی مقابله کنیم تفاوت و لغزش های مترجم فرانسوی بهتر آشکار می شود. آیتی: " و نیز خوردن صید آن حیوان که به آن صید کردن آموخته‌اید، چون پرندگان شکاری و سگان شکاری، هرگاه آنها را بدان سان که خدایتان آموخته است تعلیم داده باشید. از آن صید که برایتان می‌گیرند و نگه می‌دارند بخورید و نام خدا را بر آن بخوانید..."

دوریه: " بخورید از هر آنچه از سوی خداوند به شما آموزش داده شده است در خصوص حیواناتی که شیر ها و سگ ها آنها را زخمی کرده اند، از حیواناتی که برای شما گرفته اند بخورید و هنگام ذبح آنها نام خدا را یاد کنید..."

در این برگردان علاوه بر اشتباهات رخ داده " en les saignant " (هنگام ذبح آنها) به متن اضافه شده است. صفت "سریع" در جمله پایانی آیه نیز اشتباه ترجمه شده است. برگردان ترجمه دوریه: او در حسابرسی دقیق است. ترجمه درست: او سریع الحساب است.

در ترجمه حمید الله از این آیه تنها یک مورد توضیح اضافه وجود دارد: " en tant que vous les avez dressées pour la chasse " (بدلیل آنکه آنها را برای شکار تربیت کرده اید).

آیه پنجم

دوریه	حمیدالله
<p>اليَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامِكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ</p>	<p>اليَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامِكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ</p>
<p>Aujourd'hui il vous est permis de manger de ce qui n'est pas immonde & des viandes de ceux qui savent la Loi écrite, leur viande vous est permise & la vôtre leur est permise. Il vous est permis d'épouser les filles & les femmes de libre condition de ceux qui savent la Loi écrite, en leur donnant leur dot avec civilité, ne commettez point de concubinage ni point d'adultère avec elles, ni secrètement, ni publiquement, les bonnes œuvres que fera celui qui reniera votre Loi seront inutiles, il sera au jour du Jugement au nombre des gens perdus.</p>	<p>Vous sont permises, aujourd'hui, les choses excellentes; et permise la nourriture de ceux à qui le Livre a été donné, et votre propre nourriture leur est permise; - et les dames d'entre les croyantes, et les dames d'entre les gens à qui le Livre a été donné avant vous, quand vous leur aurez donné leur salaire d'honneur- en mariage! Pas comme des débauchés ni en preneurs d'amantes! Et quiconque mécroit en la foi, alors vaine devient son action, et il sera dans l'au-delà, du nombre des perdants.</p>

ترجمه آیه پنجم حاوی چند نکته است نخست اینکه مترجم فرانسوی در ادامه اشتباهی که از ابتدا در ترجمه او راه یافته **طَعَامُ** یا خوراکی ها را گوشت ها (**les viandes**) ترجمه کرده است. همچنین دو بار " **أَوْتُوا** الْكِتَابَ " یا اهل کتاب را " **آنان که شریعت مکتوب را می دانند** " (**ceux qui savent la Loi écrite**) دانسته است که کمی از معنای متن دور است. واژه **أَجُورَهُنَّ** به معنی مزد ایشان که آن را مهریه یا کابین هم

می توان تعبیر کرد جهیزیه (dot) ترجمه شده. حمید الله خود برای این واژه عربی در زبان فرانسه یک ترکیب اسمی ساخته (Le salaire d'honneur) و به این ترتیب مشکل را حل کرده است.

معادل ترکیب فیدی (avec civilité) یعنی با ادب احترام و قیود پنهانی و آشکارا (Secrètement, publiquement) نیز در اصل عربی وجود ندارد.

فی الآخِرَةِ را حمید الله (dans l'au-delà) و دوریه (au jour du Jugement) ترجمه کرده اند که مورد اول رساتر و نزدیکتر به اصل عربی است اما ترجمه دوریه به معنی روز داوری است و بنظر میرسد از واژگان کتاب مقدس وام گرفته تا به فرهنگ دینی مخاطبانش همخوان تر باشد.

آیه ششم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيْتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

دوریه	حمیدالله
<p>O vous qui croyez en Dieu, lors que vous voulez faire vos oraisons, lavez votre visage, vos deux mains jusqu'au coude, & passez la main sur votre tête & sur vos pieds jusqu'aux talons. Si vous êtes pollus, purifiez-vous, si vous êtes malades ou en voyage ou que vous veniez de décharger votre ventre, ou que vous ayez connu des femmes, & que vous ne trouviez point d'eau pour vous laver, mettez la main sur le sable, passez-la sur votre visage; & vous en essuyez les deux mains. Dieu ne vous ordonne rien de fâcheux, mais il veut que vous soyez nets, & veut accomplir sa grace sur vous, peut-être que vous l'en remercieriez.</p>	<p>Ho, les croyants ! Lorsque vous vous levez pour l'Office, lavez vos visages et vos mains jusqu'aux coudes; et passez les mains mouillées sur vos têtes; et lavez-vous les pieds jusqu'aux chevilles.</p> <p>Et si vous êtes pollués, alors purifiez-vous bien; et si vous êtes malades, ou en voyage, ou si l'un de vous revient des cabinets, ou si vous vous êtes entretouchés avec des femmes, et que vous ne trouviez pas d'eau, faites alors ablution pulvérable sur une terre propre, et passez avec cela vos mains sur vos visages et sur vos mains. Dieu ne vous veut pas de gêne, mais Il veut vous purifier et parfaire sur vous Son bienfait. Peut-être seriez-vous reconnaissants?</p>

دوریه در ترجمه آیه ششم و تقریباً " در سرتاسر ترجمه خود یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا را ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید ترجمه کرده (O vous qui croyez en Dieu) که با منظور قرآن یکی نیست ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید می تواند شامل پیروان همه ادیان الهی چون کلیمیان، زردشتیان، مسیحیان و غیره شود در حالیکه در قرآن فقط مراد و مخاطب مسلمانان هستند.

در برابر عبارت إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ، دوریه (lors que vous voulez faire vos oraisons) یعنی هنگامی که می خواهید دعا کنید و حمیدالله (Lorsque vous vous levez pour l'Office) یعنی زمانی که برای نماز برمی خیزید، گذاشته اند. واژه انتخابی دوریه برای نماز (Les oraisons) از نامهایی است که مسیحیان بر خطابه ها یا دعاهایی که یک روحانی رو به حاضران می خواند و دیگران معمولاً " به گفتن آمین اکتفا می کنند اطلاق می شود. پس با نماز مسلمانان که هم بصورت انفرادی و جمعی می توان آن را بجا آورد و نمازگزار هم ملزم به تکرار همه یا بخش هایی از نماز است تفاوت آشکار دارد. حمیدالله علاوه بر ترجمه درست إِذَا قُمْتُمْ معادلی نسبتاً " رساتر (l'Office) برای نماز برگزیده است. هر چند این کلمه هم برای نماز فرادا چندان گویا نیست.

در خصوص وضو ساختن آنجا که قرآن می فرماید: «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» یعنی و سر و پاهایتان را تا قوزک مسح کنید، دوریه الْكَعْبَيْنِ را (talons) به معنی پاشنه های پا ترجمه کرده! و معلوم نیست چگونه می توان ایستاده پاشنه پا را مسح کشید. این مترجم صَعِيدًا طَيِّبًا (خاک پاک) را ماسه و امسحوا (مسح کنید) را پاک کنید یا خشک کنید ترجمه کرده است.

حمیدالله هم در ترجمه این آیه از اشتباه بری نیست. او مسح کشیدن پا ها را (بی شک بخاطر اعتقاد مذهبی خود بعنوان یک مسلمان اهل تسنن) از فعلی استفاده کرده که به معنی غسل دادن و شستن است.

این مترجم برای تیمم کردن ترکیبی ساخته (faire alors ablution pulvérale) که در زبان فرانسه پیش از او وجود نداشته است؛ در حال حاضر هم هیچیک از فرهنگ های لغت معتبر فرانسوی همچون لاروس و روبر این ترکیب فعلی را ثبت نکرده اند.

آیه هفتم

وَأذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاتَّفَقْتُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ	
دوریه	حمیدالله
O vous qui croyez en Dieu , souvenez-vous de sa grace; & de la promesse qu'il vous a faite lors que vous avez dit, Nous avons oui, & obéi, craignez-le, il sait tout ce qui est en vos cœurs.	Et rappelez-vous le bienfait de Dieu sur vous, ainsi que l'alliance par quoi Il s'est allié à vous, quand vous avez dit : "Nous entendons et nous obéissons". Et craignez Dieu. Oui, Dieu sait bien le contenu des poitrines.

در حالی که تقریباً " همه مترجمان از جمله دوری عبارت سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا (شنیدیم و فرمانبرداری کردیم) را به زمان گذشته برگردانده اند، حمیدالله آن را بصورت نقل قول مستقیم و به زمان حال ساده ترجمه کرده است.

او همچنین جمله **إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ** را بصورت (**Oui, Dieu sait bien le contenu des poitrines**) یعنی آری، خداوند به مکنونات سینه ها آگاه است، برگردانده که اندکی تحت اللفظی بنظر

می رسد.

بی شک کتب آسمانی بیشترین ترجمه ها را به خود اختصاص داده اند. در عین حال این گونه ترجمه ها بیشترین چالش ها و مسائل را در نقد و نظریه های ترجمه بوجود آورده اند.

در ترجمه متون مقدس غیر از تنگنا های زبانی و فرهنگی، بدلیل آنکه کلام الهی تفسیر بردار و دارای لایه های گوناگونی است مسائل دیگری نیز باید مورد توجه قرار گیرد از جمله: تاریخچه و قدمت متن، تاثیر آن بر شئون زندگی افراد و زایش و پویایی فرهنگی اقوام، حرمت ترجمه یا وجود ترجمه های پیشین که می توانند انتظارها را جهت دهند و در نتیجه واکنش های افرادی که ترجمه یا بازترجمه ها برای عرضه به آنان تهیه می شوند.

در هر ترجمه ای از جمله ترجمه متون دینی به دلایل مختلف احتمال راه یافتن خطا وجود دارد. از جمله این دلایل دغدغه های مترجم است. زیرا ترجمه باید به گونه ای انجام شود که خواننده پذیرای آن باشد. ترجمه و باز ترجمه از دو ماهیت مستقل برخوردارند. هرچه مترجم اول تلاش می کند متن بیگانه را به زبان مقصد نزدیک کند مترجمان بعدی نیم نگاهی به قرابت زدایی و برجسته سازی بیگانگی متن ترجمه دارند. پس می توان گفت که باز ترجمه از ترجمه اولیه بیشتر بوی بیگانگی می دهد. از اینرو است که در ترجمه های جدید تر قرآن کریم بسیاری از واژگان حتی معادل گذاری نمی شوند و مترجم تنها به بازنگاری آنها به الفباء زبان مقصد اکتفا می کند.

هر چند در باز ترجمه بسیاری از مسائل حل و اشکالات برطرف می شود اما نمی توان ادعا کرد که همیشه بازترجمه موفق تر از نمونه ترجمه های پیشین است زیرا یکی از عمده ترین عوامل یعنی توجه ویژه به خواننده و فرهنگ زبان مقصد کمتر در نظر گرفته می شود.

۱- قرآن کریم با ترجمه فارسی مهدی الهی قمشه ای و عبدالحمید آیتی.

۲- انجیل شریف یا عهد جدید فارسی، از انتشارات انجمن کتاب مقدس، چاپ سوم، ۱۳۸۱ش.

3-Bensimon Paul, Présentation, Palimpsestes, 4, Retraduire, publications de la Sorbonne Nouvelle, 1990, pp. IX-XIII.

4-Berman Antoine, Pour une critique des traductions: John Donne Gallimard.

5-Hevson Larce, Images du lecteur, Palimpsestes, n° 9, 1995, pp. 1-7.

6-L'Alcoran de Mahomet, traduit de l'arabe par André Du Rayer sieur de la grande Malezair, Amsterdam, Pierre Mortier, M.DCCXXXIV.

7-Ladmiral Jean-René, Pour une théologie de la traduction, TTR : traduction, terminologie, rédaction, Vol. 3, n° 2, 1990, p. 121-138.

8-Ladmiral Jean-René, L'Epreuve de l'Etranger, Paris, Gallimard, 1984.

9-Le Coran, traduction intégrale et notes de Mohammad Hamidullah, Ansaryan publications, Qom.

10-Meschonnic Henri, Pour une poétique du traduire, Verdier, Paris, 1999.

11-Miquel André, L'Événement, le Coran, Sourate LVI, Odile Jacob, Paris, 1992.

12-Ricœur Paul, Cultures, du deuil à la traduction, Le Monde 24 /05/2004.

13-Seleskovicth Danica, Le Dilemme terminologique de la retraduction, Traduire, 175, 1998, pp. 17-27.

14-Skibinska Elzbieta, La Retraduction, manifestation de la subjectivité du traducteur, Doletiana, 1, Subjecte Traduccio.

15-Sorel Charles, Bibliothèque française, Paris, 1664, chap. XI, « De la traduction ».

16-Trabelsi Chédia, La Problématique de la traduction du Coran, Meta, 45 : 3, 401-403.